

دروغ، خطایی به قیمت صفر شدن

به عنوان مقام اول آسیب های اجتماعی، من روی دروغ انگشت می گذارم و آن را «ام الخبائث» رفتاری در ساحت های گوناگون می دانم. زندگی شبیه در س املا نیست که هر خطایی یک نمره از امتحان ما کم کند، بلکه گاهی یک خطا هم می تواند مارا به صفر برساند و دروغ، از همان اشتباهاتی است که همه تلاش های انسان را پوچ می کند.

بیماری که چون میان دودوست «ویروس گستر» شود، دوستی را مثل درختی خشک طعمه تیر می کند حتی اگر به شادابی نهایی تازه رسته و به تنومندی درختی هزار ساله باشد. در خانواده اگر جاباز کند خواهیم دید که «اعضای پیکر» «مقام ترین هسته اجتماعی را از کنار هم به رو روی هم خواهد کشاند و چون در جامعه، تکثیر شود باز خوردش را در فراوانی پزه های اجتماعی و فراتر از آن در خیانت ها و نزاع ها و جنایت ها باید دید و اگر خدای نکرده بین مردم وساختارهای حکومتی، جاباز کند، به کوتاه زمانی، اعتماد شکل گرفته در زمان های طولانی را بود خواهد کرد که اعتماد سازه ای چون ساختمان دارد که دره بر ذمه می نشیند تا براساس نقشه مهندسی، به بنایی رفیع تبدیل شود اما فرو ریختن این بنای بلند حتی اگر به بنای تاریخی و دیر سال هم تبدیل شود، به لحظه ای، پلاسکوار، ساده تر از مزمزه کردن یک قطره آب، فرو می ریزد و اگر کافذی یار ه شد، شاید بتوان به زور چسب، تکه هایش را به هم چسباند اما باروز اولش تفاوت زیادی خواهد داشت. بنابرین همواره باید مراقبت کرد که هر رابطه دوستانه و هم نهاد خانواده و هم اجتماع و مهم تر از همه اعتماد عمومی که می توان آن را صندوق ذخیره راهبردی هر نظام دانست، از گزند هادر امان باشد. مراقبت در این حوزه به معنی این که مسئولان به جد مراقب زبان و کلمات و حتی حر کات خود باشند که شاید اشارت ها و حتی لبخند های نابه جا، به سان شلیک گلوله بر پایه این ساختمان باشد. می دانیم دروغی که بر زبان مسئولی بنشیند دیگر یک دروغ به مثابه آن چه برخی افراد عادی جامعه بر زبان می آورند، نیست بلکه به فراوانی همه افرادی است که می شنوند و تحت تاثیر قرار می گیرند. دروغ هم لازم نیست قلب و اقعیت یک ماجرا باشد، شاید وعده هایی را که هرگز به سر انجام نمی رسند و امید مردم را مثل گلی خشک و به پاییز سیده فرو می ریزند هم بتوان در سیاهه همین «کلان دروغ» هائیت کرد که متاسفانه کم هم نیستند. اگر در آموزه های دینی دروغ را کلید جهنم خوانده اند، در حوزه اجتماعی هم باید آن را کلید انفجار های جهنم آفرین دانست. آسیبی اجتماعی که «اجتماع» را متفرق می کند و «جامعه» را از هم می پاشاند حتی اگر به دیرینه سالی «ارگ بزم» باشد.